

من پدر خانواده هستم و فکر می‌کنم اینها که از من حرف شنوی دارند باید هر لحظه در خدمت‌شان باشم و همیشه خدمتگزار خانواده و بستگان هستم

وقتی پدر و مادر به فرزندان‌شان درس زندگی می‌دهند

مشکلات خانواده را با کمک بچه‌ها حل می‌کنیم

به نظر همه ما مدیون پدر و مادرمان هستیم. من هم از ۱۳ سالگی تاکنون هر ساله در دهه اول محرم به روستای بجد از توابع شهرستان سراب می‌روم و به عنوان خادم در مراسم چای توزیع می‌کنم. خودم هم ناچیز در هزینه‌ها شریک می‌شوم. عشق و ارادت به این خاندان سبب شده که پیوسته دل بسته زیارت آنها باشم. نه من تنها در خانواده‌ام چنین هستم، بلکه همه چنین عشق و علاقه‌ای به این خاندان دارند، برای مثال مادرم تاکنون حدود ۴۰ بار به زیارت امام رضا (ع) رفته است.

■ **در درس و مشق و تربیت فرزندان‌تان شما بیشتر نقش دارید یا خانم‌تان؟**

خانم دختر خاله‌ام است. همیشه از ته دل به او گفته‌ام که رئیس تو هستی و واقعا هم همین است. درست است که من هم نظارت دارم و کمک می‌کنم، ولی حرف آخر را خانم می‌زند. ایشان است که در منزل، حضور مستمر دارد و تحصیل‌کرده هم هست. بنابراین به خوبی وظیفه‌اش را انجام داده است. برای همین به شکر خداوند از تربیت فرزندانمان راضی هستیم.

■ **توی زندگی تا به حال با مشکلی مواجه نشده اید؟ اختلاف نظر نداشته اید؟**

در دوران زندگی مشترک مان به فضل الهی به مشکل لاینحل زنشویی و خانوادگی برخورد نداشته‌ایم. درست است که مشکلات و اختلاف نظرهایی پیش می‌آید، ولی همه آنها را با همفکری هم و عاقلانه حل کرده‌ایم، حتی تاکنون یک‌بار برادرم که باجناق هم هست، صدایی از اختلاف ما نشنیده است. برخی موارد که فقط مربوط به من و خانم هست را دو نفری با هم بحث و همفکری حل می‌کنیم و مواردی که مربوط به کل خانواده است را با شرکت فرزندانم همفکری کرده و همگی تابع رای اکثریت می‌شویم تا آنها هم از حلال روش حل مشکلات در خانواده را یاد بگیرند. برای همین ۲۲ سال است که به فضل الهی با خوشی زندگی کرده‌ایم.

■ **و به عنوان سوال آخر، فکر می‌کنید پدر خانواده چطور باید با اعضای خانواده‌اش برخورد کند؟ شما خودتان چه روشی دارید؟**

تلاشم بر این است که بداخلاق نباشم و با روی باز وارد خانه شوم. دوست دارم آنچه را تهیه می‌کنم برای آنها در طبق اخلاص بگذارم و منتی بر سرشان نداشته باشم. عرض کردم حتی این سفر کرپلا را به جهت درخواست فرزندان و خانمم توفیق حاصل شد. رفتن به پارک و مسافرت به شهرستان و روستای مان هم جزو برنامه‌های تفریحی سالانه ما است تا بتوانیم با فامیل‌ها و بستگان هم دیدار داشته باشیم و آنها هم به منزل ما بیایند.



محمد مهدی
عبدا...زاده
چاردیواری

از کارکردهای مهم خانواده، تربیت دینی کودکان است، بنابراین در هر مرحله‌ای از زندگی نوزاد تا سال‌های نوجوانی و جوانی، باید والدین با برنامه‌های حساب شده در جهت وصول به این هدف مهم گام بردارند. تربیت دینی سبب می‌شود اجتماع از افرادی تشکیل شود که از اخلاق و رفتاری نیک برخوردار باشند تا آن جامعه بتواند شاهد امنیت و آسایش، فداکاری و از خودگذشتگی، تعاون و همیاری و انجام وظایف شهروندی هر عضو خود باشد. یکی از متغیرهای مهم در تربیت دینی فرزندان، استفاده از زیارت است. مخصوصاً کودکان و نوجوانان در زیارت از مزار بزرگان دینی دارای تجارب معنوی می‌شوند که هیچ بدلی برای آن نمی‌توان یافت. این تجارب معنوی ارزشمند، باعث شکل‌گیری اعتقادات، نگرش‌ها، باورها و به‌طور کلی شخصیتی دینی می‌شود که تا پایان عمر هر فرد می‌تواند اثرات ویژه‌ای داشته باشد.

هنگام زیارت، افراد با جنبه‌های مهمی از تاریخ صدر اسلام، زندگی پرفراز و نشیب ائمه معصومین علیهم‌السلام، تاریخ، جغرافیا، آداب و رسوم، اعتقادات و پوشش‌های دیگر اقوام، زندگی در مسافرت به صورت جمعی و مواردی از این قبیل آشنا می‌شوند. مثلاً اطلاعاتی که به افراد در محل مسجد کوفه، خیمه‌گاه و قتلگاه، طفلان مسلم، سامرا و کاظمین داده می‌شود، باعث می‌شود کودکان و نوجوانان بتوانند صحنه‌هایی پراز عاطفه، احساس و حماسه مربوط به آن را در ذهن‌شان بازسازی کنند. با سفر به قرن‌ها قبل، مسائل بسیاری برای‌شان عینیت پیدا می‌کند و سبب می‌شود این تجارب هرگز فراموش نشود. از سوی دیگر محبت، کمک و همیاری با دیگران از ضروریات این نوع سفرهاست و برای یک دوره چند روزه وقتی اعضای خانواده پیوسته با مهر و محبت با هم و دیگران زندگی می‌کنند، نشاط خاصی سراغ‌شان می‌آید و جو خانوادگی مطلوب‌تری بعد از زیارت برای‌شان ایجاد خواهد شد. در سفری که در هشتم آبان ۱۴۰۱ به عتبات داشتیم در اتوبوسی که با کاروانی از تهران حرکت کرد، خانواده‌ای را مشاهده کردم که افراد آن از سه نسل بودند. آنچه اینجا پیش روی شماسنت، ماحصل گفت‌وگو با آنهاست.

■ **سلام و با تشکر از قبول زحمت. خودتان را معرفی می‌کنید؟**

من سیف‌علی صفرپور بیجندی هستم. از سال ۱۳۷۵ در رباط کریم تهران ساکن شدم. حدود ۴۰ سال سن دارم، ۲۲ سال است که ازدواج کرده‌ام و صاحب دو پسر هستیم. الان هم به عنوان کارگر در یک شرکت تهیه و تولید مواد غذایی کار می‌کنم.

■ **چندمین بار است که به کرپلا مشرف می‌شوید و با چه افرادی از خانواده‌تان؟**

برای سومین بار است که به زیارت عتبات عالیات مشرف می‌شوم. گروه ما از من، خانم، دو پسر، دو خواهر، یک دامادمان، پدرخانم و مادرخانم، دو خواهرزاده‌ام و مادرم تشکیل شده است.

■ **چطور شد که الان عازم سفر هستید؟ گمان می‌کنم با حقوق کارگری، فراهم کردن هزینه چنین**

سفری سخت باشد.

بله، اما ایام اربعین امسال، پسر بزرگم، ابوالفضل از من خواست تا ما هم همراه مردم به زیارت اربعین برویم. با آن که خیلی خودم هم دوست داشتم، ولی دستم خالی بود. دلم شکست و از آقا امام حسین (ع) درخواست کردم تا مرا در برابر زن و فرزندانم خجالت زده نکنند. از طرفی خانمم نظرش این بود که زیارت امام حسین (ع) و یارانش و حضرت علی (ع) برای تقویت باورهای اسلامی بچه‌ها، نقش موثری دارد و خودمان هم دلمان برای زیارت بال بال می‌زد. از همه مهم‌تر این که تمام وجود مادر پیرم، وابسته به خانواده عترت و طهارت است و او به عشق زیارت نفس می‌کشد. یکی دو ماه طول کشید، و امام حسین (ع) عنایت کردند تا توانستم هزینه این سفر را برای شش نفر

جور کنم. پنج نفر هم که خودشان هزینه را تهیه کرده بودند.

■ **در اتوبوس و مسیر دیدیم که مثل پروانه دور افراد خانواده‌تان می‌گردید و با همه آنها بگو و بخند دارید. این همه شور و نشاط از کجا آمده؟**

برداشت شما درست است. فکر می‌کنم در این سفر باید خدمتگزار بود. از طرفی باید اسباب راحتی و نشاط دیگران و اعضای خانواده را در هر شرایطی فراهم کرد. من پدر این خانواده هستم و فکر می‌کنم اینها که از من حرف شنوی دارند، باید هر لحظه در خدمت‌شان باشم. همیشه خدمتگزار خانواده و بستگان هستم، ولی در این نوع مسافرت‌ها تا آنجا که بتوانم با تمام وجود در خدمت آنها خواهم بود.

■ **عشق به زیارت و ائمه اطهار در خانواده شما چطور شکل گرفته؟**